

## واشکافی نزاع جنبش الحوثی با دولت یمن و دلایل آن

دکتر احمد بخشایش اردستانی\*  
دانشیار دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز

### چکیده

کشور یمن از زمان رسول اکرم که به بازان بن ساسان، پس از اسلام آوردنش حکم استمرار حکومتی‌اش امضاء و صادر شد و بعدها با اعزام علی بن ابی طالب به نمایندگی از رسول اکرم جهت اخذ خراج و مالیات با اهل بیت آشنا گردیدند، به تدریج تاکنون اکثر جمعیت بیست و سه میلیونی، تشیع را در قالب زیدیه منتسب به زید بن علی، فرزند امام چهارم شیعیان مورد اقبال قرار دادند، به طوری که اکنون اکثر جمعیت، زیدی، پس از آن شافعی و شیعیان دوازده امامی و اسماعیلیه هستند. در مقابل این گروه سلفی‌ها، حنبلی‌ها و اقلیتی یهودی قرار می‌گیرند که از حمایت سعودی برخوردارند. کشور یمن تاکنون چندین بار دچار جنگ داخلی گردیده است. نزاع بین طایفه بزرگ الحوثی‌ها به رهبری بدرالدین الحوثی در استان صعده، ششمین دوره نزاع بین شیعیان و دولت مستقر در یمن یعنی علی عبدالله صالح را پشت سر می‌گذارند. آنچه جنگ ششم را از دیگر نزاع‌های دیگر متمایز می‌سازد، حضور نیروهای سعودی و به دنبال آن حمایت‌های بی‌دریغ آمریکا و انگلیس در نزاع اخیر علیه نیروهای الحوثی بود.

هدف عربستان سعودی از هجوم به شیعیان چه بود؟ چرا شیعیان الحوثی به بنیادگرایی متهم می‌شوند. چرا شیعیان زیدی در یمن خط مقاومت را دنبال می‌نمایند؟ علیرغم شکست‌های قبلی از ارتش ۷۰۰ هزار نفری یمن چرا در ششمین بار حاضر به پذیرش شکست نشدند و جانانه مقاومت نمودند؟ خواسته‌های جنبش الحوثی در یمن چیست؟ چهل و پنج درصد از جمعیت یمن، شیعیان زیدی هستند. این گروه پس از متحد شدن یمن شمالی و جنوبی در ۱۹۹۰ همواره در تنش با دولت مرکزی هستند؟ دلیل این امر چیست؟ و اشکافی نزاع در یمن از ۲۰۰۴ تاکنون و جبهه بندی‌های خاورمیانه‌ای در دو بستر جبهه مقاومت و جبهه سازش و چالش‌های این دو جبهه در مواضع نفوذپذیر هدف اصلی این مقاله است.

واژه‌های کلیدی: الحوثی، جبهه مقاومت، جبهه سازش، صعده.

این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی "نقش فتاوی دوگانه و متعارض علمای وهابی در توسعه و رشد القاعده" ارائه شده به دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز توسط مولف محترم می‌باشد.

### چرائی اهمیت یمن

موقعیت سوق الجیشی یمن بسیار حائز اهمیت است؛ از یک طرف وجود نفت در منطقه، سرسبزی و حاصلخیزی آن و تسلط این کشور بر تنگه باب‌المنذب و وجود جزیره استراتژیک "بریم" بر اهمیت این کشور می‌افزاید. این کشور با تسلط بر تنگه "باب‌المنذب" قادر است دریای سرخ را به کنترل خود درآورد. با استفاده از جزیره استراتژیک "بریم" می‌تواند این تنگه را ببندد و از آنجایی که بلندترین جزیره - زقر - را در منطقه در اختیار دارد می‌تواند فعالیت‌های دریایی در منطقه خلیج عدن و دریای سرخ را مدیریت نماید. یمن پر جمعیت‌ترین کشور شبه جزیره عربستان است. این کشور قادر است ارتش هفت صد هزار نفری خود را به حدود سه میلیون نفر برساند. استان صعده که محل اصلی نزاع است، استانی کوهستانی است. نام قدیمی آن جُماع بوده است. جمعیتی حدود یک میلیون نفر را در خود جای می‌دهد. شهر قدیمی صعده که در حال حاضر مخروبه است در یک کیلومتری شمال شهر جدید واقع شده است و آثار جنگ میان دو نوه الهادی بن یحیی‌الحسین و نوه الحسن بن ناصر بر مخروبه‌های شهر مشهود است. ترکیب جمعیتی بر مبنای مذهب و توزیع آن جالب توجه می‌باشد. زیرا اکثریت جمعیت شیعه هستند ولی گروه حاکم از طیف اقلیت می‌باشند.

ترکیب جمعیتی یمن شامل ۴۵ تا ۵۵ درصد مذهب زیدی‌اند، حدود ۳۰ درصد شافعی، حدود ۱۰ درصد حنبلی، حدود ۶ درصد شیعه دوازده امامی و اسماعیلیه، نیم درصد مسیحی و یهودی و ۳ درصد را مذاهب دیگر تشکیل می‌دهند. شافعی‌ها مناسبات بسیار خوبی با زیدی‌ها و شیعیان دارند زیدی‌ها از نظر مذهبی حد وسط شیعه و سنی به حساب می‌آیند. پاره‌ای از اعمال عبادی و فقهی آنان به شیعیان و پاره‌ای به سنی‌ها نزدیک است. اقلیت کم شمار شیعه یمن به سه گروه دوازده امامی، اسماعیلیه - شش امامی - و خوجه - هندی الاصل - تقسیم می‌شوند. شیعیان اثنی عشری حدود ۲ درصد هستند و در استان‌های "حضر موت" و "عدن" سکونت دارند.

### زیدی‌ها و حوثی‌ها

زیدی‌ها اکثریت جمعیت یمن را پوشش می‌دهند. آن‌ها در شانزده استان از مجموعه بیست استان از اکثریت برخوردارند. طوایف و قبائلی که زیدیه را حمایت می‌نمایند عبارتند از "جارودیه"، "سلیمانیه" و "تیبیره". زیدیه از قرن سوم هجری و از زمان عزیمت "یحیی بن حسین رسی علوی" از عراق به یمن در این کشور زیسته است. زیدی‌ها همواره رهبر خود را با واژه "امام" خطاب می‌نمایند. یکی از ائمه آنان "هادی رسی علوی" است که "امام هادی" خوانده می‌شود و مقبره او زیارتگاه مردم "صعده" است. بعضی از شیعه‌ها گمان می‌کنند این فرد همان امام دهم شیعیان است در حالی که چنین نیست. اصالت آن‌ها به زیدبن علی فرزند امام

زین العابدین می‌رسد. شصت درصد از زیدی‌ها از طایفه "جارودیه" هستند. آنان دو مرجع مذهبی دارند؛ مجدالدین مویدی و بدرالدین حوثی که زیدی‌ها این دو را "امام" و "علامه" می‌نامند. بدرالدین حوثی رهبر مذهبی و معنوی و "عبدالملک حوثی" رهبر سیاسی و عملیاتی "مبارزان صعده" هستند. آن‌ها در حال حاضر با قوای دولتی در استان صعده درگیر می‌باشند. بسیاری گمان می‌برند جنگ جاری صعده جنگ میان زیدی‌ها و سنی‌هاست. کما اینکه عده‌ای هم آن را نزاع شیعه و اثنی عشری و سنی فرض می‌کنند. در حالی که هر دو طرف نزاع زیدی مذهب‌اند و شیعیان یا اهل سنت یمن در آن دخالتی ندارند. زیدی‌ها از قرن سوم تا اواسط قرن گذشته حکومتی شبه مذهبی را در یمن تشکیل داده بودند ولی حکومت آنان به خلافت شبیه‌تر بود، هرچند رئیس حکومت با عنوان "امام" خطاب می‌شد. حوثی‌ها با داعیه بازگرداندن حکومت به یک حکومت شبه مذهبی با دولت مرکزی درگیرند. آن‌ها نتوانسته‌اند یک جنبش فراگیر را در میان زیدی‌های یمن به‌وجود آورند. لذا این جنبش به استان صعده محدود گردیده و نشان‌چندانی از آن در پانزده استان دیگر زیدی دیده نمی‌شود. در عین حال ذکر این نکته لازم است که صعده مذهبی‌ترین شهر یمن است و کانون مدرسه‌های علمیه زیدی‌ها به حساب می‌آید. "حوثی‌ها" نامدارترین خانواده در استان صعده هستند و از دیرباز ریاست بر این استان و در مقاطعی ریاست بر یمن را در دست داشته‌اند و در این راه قربانیان زیادی داده‌اند. آخرین بار حسین الحوثی رهبر این گروه در درگیری‌های سال ۱۳۸۵ به دست ارتش یمن کشته شد. آن‌ها از حیث نظامی از توانائی خوبی برخوردارند به گونه‌ای که گفته می‌شود عدد نیروهای دوره دیده شبه‌نظامی آنان از یکصد هزار نفر فراتر می‌رود. آنان به سلاح‌های پیشرفته مجهزند تا جایی که بارها موفق به ساقط کردن هواپیما و هلی‌کوپترهای دولت مرکزی شده و حمله زرهی ارتش یمن و سعودی را با شکست مواجه کرده‌اند. (عصام العماد، موسسه گفتگوی دینی، ۱۳۸۸)

### اندیشه‌های شیعیان زیدی

اکثریت شیعیان زیدی پنج امامی هستند. آن‌ها معتقد به امامت زید ابن علی فرزند امام زین العابدین می‌باشند. زید ابن علی گرچه خود را امام نمی‌دانست و به خونخواهی مظلومان عاشورا قیام کرد، اما پیروانش وی را به‌عنوان امام پنجم می‌شناسند و به همین دلیل زیدیه نامیده می‌شوند. زیدبن علی فردی بسیار شجاع و اهل علم و دانش بود، در سال ۱۲۲ هـ. ق در دوران خلافت هشام‌بن عبدالملک اموی بر ضد امویان در کوفه قیام کرد و با جمع کثیری از یارانش به شهادت رسید. عقاید خاص زیدبن علی (ع) از جمله قیام و خروج علیه ظالمان در هر شرایطی، امکان امامت بدون برخورداری از علم غیب و عصمت، سبب شد که علی‌رغم این که خودش مدعی امامت نباشد، اما پیروانش او را امام بدانند و پس از شهادتش در کوفه و عراق، ایران و

یمن دست به قیام علیه حکومت‌های وقت بزنند و حکومت‌های زیدی را تشکیل می‌دهند. "جارودیه"، "سلمانیه" و "صالحیه" از جمله سه فرقه اصلی زیدیه است که از آن فرقه‌های دیگری مانند "هادویه" و "قاسمیه" در یمن و "ناصریه" در ایران شکل گرفت. از مهم‌ترین و معروف‌ترین حکومت زیدی‌ها که می‌توان در ایران نام برد، همراه با آمدن یحیی بن عبدالله به دیلم آغاز می‌شود. بعد از شهادت وی توسط عباسیان، قیام حسین بن علی معروف به داعی کبیر در سال ۲۵۰ ه. ق می‌باشد که در تاریخ ایران به حکومت علویان طبرستان معروف است. یحیی بن حسین رهبر فرقه هادویه در سال ۲۸۴ ه. ق در صعده یمن توانست با ترویج مذهب هادویه حکومت زیدی را تشکیل دهد. حکومت زیدی‌ها بر یمن با نوعی افت و خیز تا استیلای عثمانیان وجود داشت. با سقوط عثمانی‌ها زمینه برای حاکمیت مجدد آن‌ها فراهم شد تا سال ۱۹۶۴ حکومت در دست زیدی‌ها بود تا این که در این سال اعلام جمهوری شد. بدرالدین الحوثی که خود یکی از فقه‌های زیدیه بود نود سال عمر نمود. وی پدر حسین الحوثی رهبر سابق الحوثی‌ها است که در سال ۲۰۰۴ در نبرد با ارتش یمن به شهادت رسید. الحوثی‌ها در واقع بازوی مسلح شیعیان استان صعده هستند که در برابر تهاجمات دولت مرکزی دفاع می‌کنند. زیدی‌ها در بسیاری از اعتقادات با شیعیان اثنی عشری مشترک هستند و مراسم عاشورا و جشن‌های الغدیر را به‌طور گسترده برگزار می‌کنند. الحوثی‌ها و در راس آن‌ها، عبدالملک الحوثی بر این موضوع تاکید دارند که استان شیعه‌نشین صعده جزئی از خاک یمن است و آن‌ها به هیچ وجه قصد جدایی از آن کشور را ندارند. عبدالملک الحوثی رهبر فعلی الحوثی‌ها بارها بر این نکته تاکید ورزیده که از سوی هیچ کشوری حتی ایران حمایت نمی‌شود. آن‌ها خواسته‌هایی دارند که دولت مرکزی به آن توجه نمی‌کند: اختلاف دیدگاه سیاسی با حکومت مرکزی در مورد آمریکا و اسرائیل، بی‌توجهی دولت به وضعیت خاص استان صعده و انجام نشدن اقدامات عمرانی از جمله مسائلی است که از سال‌های پس از وحدت یمن تاکنون همواره باعث درگیری الحوثی‌ها با دولت مرکزی شده است. علاوه بر این، بافت قبیله‌ای و وضعیت جغرافیایی منطقه به‌عنوان یک عامل طبیعی باعث شده است که دولت مرکزی یمن نتواند الحوثی‌ها را به راحتی شکست دهد. عبدالملک الحوثی رهبر فعلی جنبش الحوثی از سال ۲۰۰۴ تاکنون توانسته است با کمک برخی از همفکران برادرش در گروه شباب المومن، مدیریت خوبی را از خود نشان دهد. وی سخنوری بسیار توانا است و از لحاظ سیاسی آشنا به مسائل روز است. با توجه به نفوذ پدرش بدرالدین که از ائمه مذهب جارودی (فرقه‌ای از زیدیه) است توانسته نفوذ خود را در جامعه بسط دهد. عده‌ای از مخالفان وی می‌گویند به واسطه وضعیت جامعه یمن به تدریج افکار عبدالملک به شیعیان دوازده امامی نزدیک شده است. همین موضوع به عنوان نقطه اتهام آن‌ها به عنوان حمایت معنوی ایران نامیده می‌شود. بدرالدین الحوثی در کتابی با عنوان "زیدیه در یمن" برخلاف عقیده

جاری در بین زیدیه مبنی بر درست بودن خلافت ابوبکر، عثمان و عمر، به مخالفت برخاسته و همین موضوع باعث شد که بسیاری از رهبران زیدیه به مخالفت با او برخیزند. پسرش حسین الحوثی نیز با تاثیرپذیری از افکار پدرش بر موارد مشترک با شیعه دوازده امامی تاکید می کند. (پیر بداعی، نشریه امتداد، ۱۳۸۸)

### خواست‌های شیعیان صعده

شیعیان صعده به رهبری الحوثی‌ها، جنگ ششم را یک جنگ مذهبی می دانند که دولت مرکزی یمن بر آن‌ها تحمیل نمود. به اعتقاد آن‌ها، وقتی دولت علی عبدالله صالح دچار مشکلات و بحران‌های داخلی می شود، برای این که افکار عمومی را از آن بحران منحرف کند به شیوه‌های خشن متوسل می شود که که جنگ در صعده نمونه‌ای از آن است. پایین آمدن قیمت نفت، بحران مالی جهانی و تاثیر آن بر اقتصاد یمن، باعث افزایش بیکاری، تورم و گرانی در کشور در کنار این متغیرها سوء مدیریت دولت، خسارت فراوانی به استان‌ها از جمله استان محروم و شیعه نشین صعده وارد نمود. اما در مقابل، دولت یمن، حوثی‌ها را شورشیانی می داند که می خواهند حکومت زیدی که در سال ۱۹۶۴ ساقط شده است را مجدداً احیا نمایند.

اکثریت مردم یمن به تبلیغات دولت برای جنگ با الحوثی‌ها بی توجهی نشان می دهند و این جنگ را نوعی برادرکشی و موجب بحرانی تر شدن اوضاع در کشور می دانند. تظاهرات و اعتراضات مردمی، انتقادات مطبوعات و رسانه‌های گروهی با وجود سانسور شدید خبری، باز هم نتوانسته است از شکل گیری و علنی شدن مخالفت‌ها جلوگیری کند. در این راستا حتی "علی سالم البیض" رئیس جمهور سابق یمن جنوبی و معاون سابق علی بن عبدالله صالح رئیس جمهور وقت یمن با صدور بیانیه شدیداللحنی، جنگ فعلی را برادرکشی نامید و از سربازان یمنی خواست از جنگیدن بر ضد برادران خود در استان صعده خودداری کنند و به روستاها و شهرهای محل زندگی خود برگردند. این مقام بلندپایه یمنی، دولت مرکزی را عامل بحرانی شدن اوضاع در کشور و آن را در برآورده کردن خواسته‌های مردم ناتوان دانست. ایشان معتقد است: دولت علی عبدالله صالح به جای پاسخ منطقی به خواسته‌های مردم، آن‌ها را سرکوب می نماید. (حسین توکلی، وبلاگ شیعه خیر، ۱۳۸۸)

"عبدالعزیز جباری" عضو فراکسیون کنگره مردمی در مجلس نمایندگان یمن در گفت و گو با شبکه خبری العالم، در ۲۴ آگوست ۲۰۰۹ با تاکید بر این موضوع که درگیری فعلی یمن به نفع هیچ یک از دو طرف نیست از کشته شدن بی هدف هموطنانش ابراز تاسف کرد. وی جنگ فعلی در یمن را یک درگیری سیاسی خواند و افزود: تا وقتی که زمینه تنش و تحریک وجود داشته باشد، درگیری ادامه دارد و این به معنی کشته شدن افراد بیشتر از دو طرف است.

شیخ "سلطان السامعی" یک نماینده دیگر پارلمان نیز در گفت و گویی با شبکه خبری العالم، دولت را به دامن زدن به آتش جنگ و فتنه‌های مذهبی از طریق تشدید جنگ علیه حوثی‌ها در منطقه صعده مقصر دانست این نزاع موجب گردیده تا اقتصاد و کشور حدود پنج میلیارد دلار خسارت ببیند.

## جنگ‌های شش‌گانه در یمن

### جنگ اول:

حسین بدرالدین الحوثی در نخستین رویارویی شیعیان با ارتش یمن در ۱۹ ژوئیه سال ۲۰۰۴ پس از نبردهای خونین در منطقه "مران" در استان صعده به محاصره و در هشتم سپتامبر کشته شد. در این جنگ بیش از چهارصد نفر کشته و صدها نفر نیز زخمی شدند. جسد رهبر الحوثی در غاری در کوه "سلمان" پیدا شد. پس از آن دولت یمن اعلام کرد که جنگ با گروه الحوثی در استان صعب العبور صعده به پایان رسیده است. این در حالی بود که در این نبرد، نیروهای الحوثی بر ارتفاعات و غارهای منطقه صعده در "شعب سلمان" در رشته کوه مران در شمال یمن اشراف کامل داشتند، اما بمباران‌های سنگین هواپیماهای یمن و آتشباری سنگین تر توپخانه، آن‌ها را در موقعیت دشواری قرار داد و در مقابل پیشنهاد دولت مبنی بر تسلیم شدن یا پذیرفتن مرگ، آن‌ها دومی را انتخاب کردند و به نبرد تن به تن با نیروهای ارتش پرداختند. دولت یمن پس از مرگ حسین بدرالدین الحوثی، تصور کرد که بر شیعیان زیدی ساکن در استان صعده تسلط یافته است و منطقه را از وجود مخالفان دولت پاک کرده است، اما آغاز سلسله نبردهای بعدی که موسوم به جنگ دوم ارتش یمن با الحوثی‌ها شد، این واقعیت را به سراب تبدیل کرد.

### جنگ دوم:

جنگ دوم ارتش یمن و الحوثی‌ها در سال ۲۰۰۵ آغاز شد. در این نبرد، پدر حسین الحوثی به نام "بدرالدین الحوثی" رهبری جنگ را بر عهده گرفت. این نبرد در همان روزهای آغازین، بیست و سه کشته را در صفوف الحوثی‌ها بر جای گذاشت. به گفته سخنگوی ارتش یمن فقط هشت تن از نیروهای ارتش و امنیتی کشته شدند در حالی که نیروهای دولتی موفق به دستگیری پنجاه و یک نفر شدند. بدرالدین الحوثی، پس از این که فرزندش حسین توسط ارتش یمن کشته شد، سکونت در صنعا را رها کرد و به کوهستان‌های صعب العبور صعده عزیمت کرد. وی که فقیه و شخص بسیار موجهی از نظر فقهی و علمی در یمن بود، پیشنهاد دولت برای دریافت حقوق ماهیانه و همراه داشتن، دویست محافظ برای تردد در کشور را نپذیرفت و به میدان نبرد با دولت مرکزی در شمال یمن شتافت.

**جنگ سوم:**

این جنگ به رهبری عبدالملک الحوثی برادر کوچک حسین در دفاع از پایگاه‌های شیعیان زیدی که از سوی نیروهای ارتش مورد تعرض قرار گرفته بود آغاز شد. در این نبرد، نیروهای دولتی به بهانه آزادی برخی سربازان ربوده شده به یکی از استحکامات الحوثی‌ها در ارتفاعات یورش بردند و به ادعای رسانه‌های دولتی در ابتدای حمله بیش از هشتاد نفر از آن‌ها را کشتند. این در حالی بود که تلفات ارتش فقط بیست و هفت نفر اعلام شد و در روزهای بعدی نیز دولت به کشته شدن هفت نفر دیگر که یکی از آن‌ها دارای درجه سرگردی بود، اعتراف کرد. اما در نهایت این جنگ، با عقب راندن ارتش یمن از موضع و استحکامات کوهستانی پایان یافت و عبدالملک الحوثی برادر حسین بدرالدین همچنان به‌عنوان رهبر محبوب شیعیان زیدی شناخته شد و جنگ‌های چهارم، پنجم و ششم علیه ارتش یمن را هدایت کرد.

**ریشه‌های خارجی جنگ یمن**

جنگ ششم یمن میان ارتش و شیعیان صعده در طول شش ماهه سال ۲۰۰۹ روند متفاوتی را پشت سر گذاشت. این جنگ که طولانی‌ترین جنگ تاریخ معاصر یمن به شمار می‌رود، با دخالت مستقیم نظامیان امریکا وارد مرحله تازه‌ای شد و آن را به جنگی فرا منطقه‌ای تبدیل نمود. در واقع جنگ ششم سه مرحله داشت که در مرحله آخر، نیروهای امریکا وارد شدند.

**مرحله اول:** جنگ در این مرحله داخلی و محلی بود یعنی درگیری تنها میان ارتش یمن و شبه نظامان الحوثی در استان صعده و برخی استان‌های همجوار آن ادامه داشت.

**مرحله دوم:** در این مرحله، جنگ وارد فضای منطقه‌ای شد. یعنی پس از آن که ارتش یمن موفق نشد بر شیعیان الحوثی فایق آید، عربستان سعودی به همراهی مصر به صورت مستقیم وارد درگیری‌ها شدند و جنگ را وارد عرصه منطقه‌ای نمودند. عربستان با این تصور که در صورت عدم دخالت در جنگ هزینه‌هایی که پرداخته بی‌ثمر شده و علی‌عبدالله... صالح با الحوثی‌ها وارد مذاکره خواهد شد به این جنگ وارد گردید.

**مرحله سوم:** این مرحله پس از آن شروع شد که دولت یمن علیرغم ورود عربستان و مصر موفق به پایان جنگ نگردید لذا با کمک گرفتن از ایالات متحده، امریکا به صورت رسمی وارد قاعده بازی و جنگ شد تا کفه ترازو را به نفع جبهه سازش به رهبری سعودی در مقابل جبهه مقاومت به رهبری ایران سنگین‌تر نماید. (محمد رضا موسوی، باشگاه اندیشه، ۱۳۸۸)

**چرایی ورود عربستان، رهبر جبهه سازش، به جنگ یمن**

دولت یمن با سه بحران جدی مواجه است: آن‌ها عبارتند از:  
الف) تحرکات مربوط به جریان‌های تکفیری و القاعده.

ب) موضوع شیعیان زیدی یا همان مسئله الحوثی‌ها  
ج) جدایی طلبان جنوب یمن.

از میان این سه بحران تنها بحرانی که حدود یکسال قبل از جنگ ششم با امضا توافقنامه صلح میان دولت و طرف دیگر ماجرا به نظم و آرامش نسبی رسید، بحران الحوثی‌ها بود که با وساطت قطر در دوحه انجام گرفت. این توافق دیری نپائید و دولت یمن با زیر پا گذاشتن تعهداتش بار دیگر وارد جنگ با شیعیان شد؛ ریشه این نزاع بیش از آن که از داخل نشات بگیرد، به نظر می‌رسد در خارج از مرزها باید جستجو گردد. دلایل و نشانه‌های بسیاری وجود دارد که دخالت عربستان سعودی در ایجاد این تنش را بارز می‌سازد؛ یکی از دلایل این است که در مجاورت منطقه شیعه نشین یمن و بالاخص صعده، استان نجران عربستان سعودی قرار دارد که عمده ساکنان آن شیعیان اسماعیلی‌اند و عربستان به تازگی در این منطقه به اکتشاف چاه نفت دست یازیده است.

۱- عربستان سعودی در شرق یمن قرار دارد که شیعیان اثنی عشری در آن جا زندگی می‌کنند. عربستان برای بالا بردن ضریب امنیت خود، دولت یمن را به جنگ‌های داخلی از طرق مختلف رهنمون می‌سازد. بدین نحو که مقامات سعودی امیدوارند با از بین بردن الحوثی‌ها ساختار سیاسی اجتماعی شیعیان یمن را از بین ببرند تا شیعیان اسماعیلی آن سوی مرز قدرت چندانی نگیرند. شاهد بر مدعا ماجرای اسارت یک تیپ از ارتش یمن به دست الحوثی‌ها بود که اکثر تجهیزات آن‌ها از عربستان وارد شده بود. این وضعیت حاکی از این نکته است که دولت یمن به صورت ابرار در اختیار منافع عربستان قرار دارد. (حسین رویوران. خبر آنلاین. ۱۳۸۸)

۲- هم چنین عربستان سعودی از دیرباز سه استان یمن - شامل استان‌های عسیر، نجران و جیزان - را در تصرف خود دارد. ریاض به موجب توافق نامه طایف در ۱۳۱۳ متعهد گردید تا این سه استان را در سال ۱۳۳۳ به یمن برگرداند. لیکن نه تنها این کار را انجام نداد بلکه با تمدید قرارداد در سال‌های ۱۳۳۳، ۱۳۵۳ و ۱۳۸۳ کماکان این استان‌ها را در تصرف خود دارد. به نظر میرسد با تمدید پی در پی پیمان طایف، عربستان به دنبال ضمیمه سازی این سه استان به خاک خود باشد.

۳- عربستان سعودی و یمن به عنوان دو کشور خاورمیانه تا کنون نتوانسته‌اند حدود مرزهایشان را مشخص نمایند و این مسئله از زمان استقلال یمن به طور متوسط به بروز درگیری‌هایی در هر دو سال یک بار بین این دو کشور منجر شده است.

۴- عربستان سعودی چندین جزیره حساس یمن را در دریای سرخ و دریای عرب در تصرف خود دارد. نیروهای نظامی عربستان جزیره یمنی "دثوه‌راپ" را در سال ۱۹۹۷ به تصرف درآورده و اعلام کردند تا زمانی که یمن جزیره "عاشق" - متعلق به یمن - را رها نکند این



جزیره را در تصرف نگاه خواهند داشت. در همین سال یعنی در ۱۹۹۷ عربستان یک جزیره دیگر از یمن - الدویمه در دریای سرخ - را از طریق درگیری نظامی به اشغال درآورد. در مجموع تاکنون متجاوز از ده جزیره کشور یمن توسط عربستان به تصرف درآمده است. (ریوران، عربستان در آرزوی تجزیه یمن، ۱۳۸۸)

۵- عربستان سعودی مخالف وحدت دو یمن است و لذا برای تجزیه بخش جنوبی از بخش شمالی آن تلاش می‌کند. دو یمن بعد از سال‌ها جدایی در اول تیر ۱۳۶۹ - به وحدت رسیدند ولی عربستان با استفاده از روابط سنتی خود با یمن جنوبی - علیرغم آن که رهبران آن از مشی سوسیالیسم پیروی می‌نمودند، تلاش کرد تا وحدت یمن به سرانجام نرسد و با پرداخت رشوه به سران قبایل یمن اولین رویارویی را ده ماه پس از تاسیس دولت یمن به وجود آورد. به دنبال این وضعیت درگیری‌های میان رئیس جمهور (علی عبدالله صالح) و معاون او (علی سالم البیض) هر روز تشدید شد تا این که در سال ۱۳۷۳ دو طرف در "امان" پایتخت اردن به توافقات مهمی دست یافتند. علی سالم البیض از امان راهی عربستان شد و گزارش توافقات را به مقامات سعودی داد ولی پس از یک شبانه روز بعد از توافق درگیری نظامی میان دو بخش جنوبی و شمالی یمن از سرگرفته شد و یک ماه به درازا کشید و در نهایت با فرار سیصد تن از فرماندهان بخش جنوبی به ریاض و تسلط نیروهای علی عبدالله صالح بر عدن خاتمه یافت.

۶- در درگیری‌های اسفند ۱۳ و فروردین ۱۴، عربستان سعودی تعداد زیادی از افسران خود را به یمن جنوبی فرستاد تا در کنار نیروهای سالم البیض با نیروهای یمن شمالی بجنگند. خبرگزاری فرانسه گزارش داد مقامات عربستان دوازده جنگنده میگ ۲۹ را به همراه خلبان روسی از روسیه اجاره کرده و در اختیار سالم البیض گذاشته‌اند. در این درگیری‌ها عربستان دو میلیارد دلار هزینه کرد که بخش عمده آن صرف خرید تسلیحات از سه کشور اوکراین، بلغارستان و لهستان و گسیل آن‌ها به میدان درگیری از طریق بندر مکلا واقع در یمن جنوبی بود. این درگیری‌ها با سیاست و سلاح سعودی‌ها منجر به کشته و مجروح شدن سیصد هزار یمنی گردید. (تابناک، مقاومت ۴۴ روزه شیعیان یمن، ۱۳۸۸)

۷- در جریان جنگ‌های داخلی یمن، عربستان سعودی یک طرح پنج ماده‌ای را تسلیم اعضای دائم شورای امنیت سازمان ملل نمود. این طرح متضمن به رسمیت شناختن جدایی یمن جنوبی از شمالی بود. علاوه بر آن، عربستان اعضای شورای همکاری خلیج فارس - به جز قطر - را برای به رسمیت شناختن جدایی یمن جنوبی از یمن متقاعد کرد. این مسئله سبب اعتراض شدید علی عبدالله صالح گردید. او طی نطقی در استان حضر موت خطاب به دولت عربستان گفت: "از آن‌ها می‌خواهیم در امور داخلی مان مداخله نکنند. ما در نقشه جغرافیا

وجود داریم و ملت ما ملتی تاریخی است و کشورمان از دیرباز وجود داشته و نه از ۶۰ سال پیش - طعنه به عربستان که قبل از فروپاشی عثمانی به عنوان یک کشور مستقل وجود نداشته است - و کسی نمی تواند ما را از نقشه جغرافیایی بزدايد. " (نجیب علی عبد الله، ۲۰۰۴، ص ۱۵۰)

دلایل، شواهد و مدارک فراوانی وجود دارند که همه حاکی از علاقمندی دیرین مقامات ریاض به تحت سیطره درآوردن یمن هست. آنان با استفاده از فقر حاکم بر یمن و اختلافات موجود میان دو بخش درصددند تا مقدمات سیطره خود بر این کشور را فراهم نمایند. (www.mogavemat.com.2010)

۸- لازم به ذکر آن که زیدی‌ها که عمدتاً در یمن شمالی سکونت دارند، همواره مهم‌ترین مانع عربستان بر سر راه سیطره بر یمن بوده‌اند. درگیری‌های موجود میان دو گروه زیدی در صعد که دامنه آن به دو استان دیگر - عمران و حرف سفیان - نیز کشیده شد شرایط بسیار مطلوبی را در اختیار عربستان قرار داد. عربستان در بخش جنوبی یمن مشکل چندانی ندارد. این کشور از طریق وهابی‌ها، یهودی‌ها و جنبلی‌های یمن که در نزدیکی مثلث مرزی عربستان، عمان و یمن زندگی می‌کنند و از طریق پرداخت رشوه به سران قبایل در یمن جنوبی عملاً این بخش را در سیطره خود دارند و نیروهای علی سالم البیض در این منطقه با سلاح سعودی و پوشش اطلاعاتی این کشور در حال فعالیت هستند. (سایت عصر ایران، عربستان در آرزوی تجزیه یمن، ۱۳۸۸)

۹- از ده‌ها سال پیش عربستان سعودی در تلاش است تا بر یمن سیطره یابد و از سال ۲۰۰۰ بر حجم فعالیت‌های خود افزوده است. این کشور در گام اول سه استان یمن را که بر سر مالکیتش اختلاف وجود داشت، خریداری نمود و از خاک یمن جدا کرد. در گام بعد کمک‌های فراوان نظامی را به طور رسمی به دولت صنعا گسیل داشت تا در سایه آن و با هزینه تبلیغاتی فراوان به مرور سهم پیروان مذهب جنبلی را در مجلس این کشور افزایش دهد به گونه‌ای که جنبلی‌های یمن علی‌رغم آن که حداکثر ده درصد جمعیت بیست و سه میلیون این کشور را شامل می‌شوند بر بخش وسیعی از کرسی‌ها و اکثریت کمیسیون‌های مجلس یمن تسلط یافته‌اند. اقدام دیگر عربستان ایجاد یک ائتلاف بین وهابی‌ها، جنبلی‌ها و یهودی‌ها است تا از این طریق بستر تجاری و صنعت حمل و نقل یمن را در سیطره خود داشته باشند.

۱۰- به نظر می‌رسد سناریوی عربستان برای کشور استراتژیک یمن این باشد که دولت مرکزی را ضعیف ساخته و در پناه این عمل موقعیت زیدی‌ها را کم رنگ سازد. لذا به‌طور همزمان اولاً به دو طرف درگیر نزاع کمک رسانی نموده و ثانیاً از رسیدن این دو گروه زیدی به یک توافق ممانعت به‌عمل می‌آورد و یا حداقل پس از توافق مانع تراشی می‌کند تا آرامش از

آن‌ها سلب گردد. این وضعیت باعث می‌گردد تا جبهه مقاومت در یمن تضعیف شده و نتواند موازنه را به نفع اسلام‌گرایان به‌پایان برساند. جبهه سازش به رهبری عربستان فکر می‌کند پس از جنگ‌های سی و سه روزه لبنان و بیست و دو روزه غزه که مقاومت اسلامی پیروز گردید این بار هم در یمن، مقاومت الحوثی با کمک معنوی ایران و حزب الله و حماس می‌تواند این جبهه را در کل خاورمیانه پر رونق‌تر سازد. بر همین اساس بود که شبکه‌های خبری العربیه، بی بی سی، فرانس ۲۴ و سی ان ان اخبار جنگ الحوثی‌ها در یمن را یک طرفه به خورد افکار عمومی جهانیان می‌داد.

### بزرگ‌نمایی نقش ایران در رسانه‌های هم‌پیمان

هم‌چنان که رقابت بین دو جبهه سازش به رهبری سعودی و جبهه مقاومت به رهبری ایران در مواضع مشترک رو به افزایش است و یکی از این مواضع یمن بود و علی‌رغم آن که ایران از هر گونه مداخله در امور داخلی یمن خودداری می‌ورزید رسانه‌های جمعی جبهه سازش و غرب در طی ناآرامی‌های جنگ ششم، بیش‌ترین تلاش خود را مبذول به این نکته نموده بودند که جنبش الحوثی به دنبال تشکیل دولت شیعه در شمال می‌باشد و این نزاع در یمن در واقع نزاع و رقابت بین ایران و سعودی می‌باشد که در پی افزایش قدرت خود می‌باشند. جنبش الحوثی به نمایندگی از ایران و دولت یمن به نمایندگی از سعودی نزاع را دنبال می‌نمایند. این رسانه‌ها چنین‌القاء می‌نمودند که:

- ۱- زیدی‌ها پیروان یک شاخه از مذهب شیعه هستند که در شمال یمن زندگی می‌کنند و می‌خواهند سیستم امامت را در آن‌جا احیا نمایند و این سیستمی است که در کودتای ۱۹۶۲ از هم پاشید. (رادیو امریکا ۱۵، ۶، ۸۸).
- ۲- دولت یمن می‌گوید شورشیان شیعه قصد براندازی دولت مرکزی را دارند. (رادیو فردا ۱۶۱، ۷، ۸۸).
- ۳- دو متحد عرب امریکا یعنی عربستان سعودی و مصر در منطقه بسیار نگران هستند از این که ناآرامی‌ها در یمن به نفوذ جمهوری اسلامی ایران از طریق الحوثی در آن کشور بیانجامد. (رادیو فردا ۱۵، ۸، ۸۸)
- ۴- باید در نظر داشت که ورود عربستان به این ماجرا به نفع امریکاست چرا که یمن منطقه‌ای است که در صورتی که بی‌ثبات بشود تبدیل می‌شود به پایگاهی برای القاعده و یمن هم در واقع جایی است که زادگاه بن لادن است و بسیاری از افراد القاعده از یمن هستند و طبیعی است که امریکا در آن‌جا به یک افغانستان تازه شکل بخشد. (کارشناس تلویزیون بی بی سی ۱۵، ۸، ۸۸)
- ۵- روزنامه الشرق الاوسط در مقاله‌ای با عنوان اطلاعات ایران در جنوب سعودی ضمن تایید

عملیات نظامی عربستان سعودی بر علیه الحوثی‌ها ادعا می‌کند که ایران بعد از تصرف لبنان و عراق و اکنون در پی گسترش نفوذ خود در جنوب عربستان هست. (رادبو امریکا ۲۲، ۸، ۸۸) این تبلیغات جهت‌دار در حالی انجام می‌گرفت که اولاً مقامات ایران از هر نوع دخالت در امور داخلی یمن پرهیز داشتند و ثانیاً ایران اگر هم می‌خواست به نوعی پشتیبانی مادی از جنبش الحوثی در قالب ارسال تجهیزات نظامی داشته باشد امکان‌پذیر نبود زیرا:

**اولاً:** بین ایران و یمن مرز مشترک جغرافیایی وجود ندارد تا بتوان از آن طریق برای یک طرف خاص تجهیزات نظامی ارسال نمود.

**ثانیاً:** به دلیل حساسیت منطقه خلیج فارس و حضور گسترده نیروهای نظامی دولت‌های بیگانه و دقت‌های بالای امنیتی خاص آن‌ها درباره محموله‌های ارسالی توسط کشتی به مقصد یمن در خلیج فارس، دریای عمان و اقیانوس هند، اولاً محموله‌های کشتی‌ها کنترل می‌شد و ثانیاً مبدا و مقصد کشتی‌ها ی مسافری و باری تحت کنترل بود به طوری که هیچ گزارشی مبنی بر حرکت کشتی از سوی ایران به یمن توسط آن‌ها مطرح نگردید و اصولاً آن‌ها دنبال چنین فرصتی بودند تا دست به تبلیغات گسترده بزنند. از طرفی باید توجه داشت که همه محموله‌های تجاری به مقصد یمن در بنادر و اسکله‌های تحت کنترل دولت یمن تخلیه می‌شد. (عصام العماد، موسسه گفتگوی دینی، ۱۳۸۸)

**ثالثاً:** همه فرودگاه‌های یمن هم در کنترل دولت بود و امکان ارسال تجهیزات نظامی برای مخالفان دولت از این طریق نیز وجود نداشت.

**رابعاً:** سلاح‌ها و تجهیزات نظامی جریان الحوثی هم هیچ‌کدام ساخت جمهوری اسلامی نبودند. (هرچند برای متهم کردن ایران می‌توان چند سلاح ساخت ایران را ظاهراً به غنیمت گرفت و در رسانه‌ها به نمایش گذاشت)، بنابراین دولت یمن در خصوص ادعای حمایت ایران از جریان الحوثی هیچ‌گونه سندی نتوانست ارائه نماید.

**خامساً:** در مورد آموزش نظامی نیروهای الحوثی، اگرچه دولت یمن تلاش نمود تا اتهاماتی را متوجه ایران سازد، لیکن در این مورد هم دولت یمن نتوانست هیچ سندی ارائه نماید. نکته قابل توجه این که نیروهای الحوثی مانند اکثر مردم یمن نیاز به آموزش ندارند، زیرا با توجه به باورهای مذهبی (قیام بالسیف) هرگاه که امام زیدی اعلان جنگ نماید، بر همه واجب است، در جنگ مشارکت نمایند. لذا یمنی‌ها (زیدیان) از خردسالی آموزش‌های نظامی را به فرزندانشان یاد می‌دهند. خاصه در مناطق کوهستانی آن و به‌ویژه در استان صعده که از دیرباز مردم با جنگیدن آشنایی دارند و تجهیزات نظامی در بازارهای یمن به وفور و ارزان یافت می‌شود و طرفداران الحوثی نیاز به آموزش نظامی در کشور ثالثی ندارند تا علیه دولت صنعا وارد جنگ شوند. بسیاری از محققین منشا ورود این سلاح‌ها را عربستان سعودی می‌دانند که هدف عمده‌اش

تضعیف دولت یمن و حذف تنها رژیم جمهوری در شبه جزیره عربستان است. کما این که همواره از قبایل جنوبی یمن حمایت می کرده است و آنان را علیه دولت مرکزی در سال ۱۹۹۴ تحریک به جنگ نموده و اکنون هم به تحریک قبایل جنوبی و تجهیز آن‌ها مشغول است.

**سادساً:** در مورد ارائه اطلاعات جاسوسی و نظامی به جنبش الحوثی از طرف ایران باید به این نکته توجه داشت که ایران به دلیل نداشتن مرز مشترک با یمن نمی تواند در این عرصه به حمایت جریان مخالف دولت بپردازد از طرفی با وجود سیستم های پیچیده الکترونیکی و ماهواره ای کشورهای غربی که در اختیار عربستان سعودی قرار دارد می توان هر نوع اطلاعات جاسوسی و نظامی را به سرعت کشف نمود. از سوی دیگر این جنگ یک نزاع داخلی بود و جریان الحوثی به علت این که در خانه خود می جنگید به درستی همه مناطق مهم منطقه و آرایش و نوع حرکت ارتش یمن را می شناخت و هیچ نیازی به یاری بیرونی در این خصوص نداشت. به نظر می رسد این ارتش یمن است که به اطلاعات نظامی و جاسوسی دیگر کشورها نیاز داشته و البته از آن بهره مند نیز بوده هست (مانند استفاده از ظرفیت جاسوسی آواکس های عربستان سعودی). واقعیت آن است که این جنگ توطئه ای هماهنگ با امریکا و برخی دول عربی همچون سعودی است که علیه شیعیان یمن بر منطقه تحمیل شده است. جریان الحوثی که از سوء مدیریت دولت مرکزی در رفع تبعیض و فقر حاکم بر جامعه ناراحت است، اعتراضاتی را در صحنه های رسمی مجلس و افکار عمومی یمن مطرح ساخته و دولت مرکزی نیز با توجه به پایگاه الحوثی و افزایش همسویی مردم یمن با این جریان، نگران موقعیت خود بوده و خلاف این جریان را در دستور کار خود قرار می دهد. از سوی دیگر، با توجه به اشغال سه استان و حدود ده جزیره یمن توسط عربستان و افزایش مطالبات مردمی برای بازپس گیری بخش های اشغال شده و عدم تمایل دولت عربستان به خروج از مناطق اشغالی به علت وجود منابع عظیم نفتی در آن ها خصوصاً در استان بخران، وارد کردن یمن به یک بحران بزرگ و کم رنگ کردن این مطالبات می تواند از اهداف عربستان به شمار رود. (سایت تحلیلی اسلام تایمز ۱۹، ۸، ۸۸).

### انگیزه های دخالت امریکا در یمن

به نظر می رسد انگیزه امریکا از دخالت مستقیم و رسمی در جنگ داخلی یمن عوامل مختلفی باشد که به بعضی از آن ها اشاره می شود:

- ۱- کمک امریکا قبل از ورود مستقیم به جنگ نتوانست موازنه قوا را به هم زند و مانع از پیشروی نیروهای مهاجم عربی و مدافعان الحوثی گردد. از این رو نیاز بود جریان الحوثی و نیروهایی که در منطقه جنگ را رصد می نمودند و الحوثی را حمایت می کردند به خوبی از دخالت مستقیم امریکا مطلع شده و در این زمینه از نظر روانی جبهه دولت تقویت شود.

- ۲- پس از شش ماه درگیری ارتش هفت صد هزار نفری یمن از یک سو و ارتش پرتعداد و مجهز عربستان و کمک‌های فنی مصر و اردن در یمن آن‌ها موفقیت چندانی به دست نیاوردند از این رو دولتمردان امریکایی در صدد برآمدند تا در پاسخ به رهبران عربستان وارد جنگ شوند تا به هر صورت ممکن پیروزی جبهه سازش تضمین گردد،
- ۳- امریکایی‌ها طرفدار جنگ برق‌آسا در یمن بودند و از جنگ فرسایشی به‌دلائل متعدد و از آن جمله پیوستن هر چه بیشتر مردم به جنبش پرهیز می‌نمودند. لذا برای خاتمه سریع جنگ ششم به‌طور مستقیم وارد جنگ شدند.
- ۴- جریان الحوثی به‌عنوان یک جریان میانه‌رو شعارهای ضد امریکایی و ضد اسرائیلی سر می‌دهد. این شعارها باعث شده تا امریکا با نسل تازه‌ای از مبارزان اسلامی با ایدئولوژی متفاوتی از القاعده، مواجه شود. ایدئولوژی که به‌نظر می‌رسد افراط‌گرایی القاعده را ندارد و می‌تواند توجه بسیاری از نیروهای میانه‌رو مخالف امریکا را در منطقه به خود جلب کند. (www. Alyamani, blogfa.com.2010)
- ۵- در بعد استراتژیک نیز امریکایی‌ها فکر می‌کنند در صورت پیروزی جنبش الحوثی بر دولت یمن این کشور ایران است که برنده نهایی بازی خواهد بود. از این رو امریکایی‌ها درصددند تا یکی از کانون‌های درگیری را در کنترل خود داشته و بر آبراه دریای سرخ سیطره داشته باشد.
- ۶- به گفته روزنامه نیویورک تایمز دولت اوباما دست به سرمایه‌گذاری نظامی هنگفتی در یمن زده است. پنتاگون درصدد است در هجده ماه آینده بودجه‌ای بالغ بر هفتاد میلیون دلار را صرف یمن کند. این پول شامل آموزش نیروهای نظامی، امنیتی و همچنین گارد ساحلی یمن خواهد بود. (راديو كلن ۷، ۱۰، ۸۸)
- در ادامه باید در مورد میزان موفقیت امریکا در جنگ یمن و جریان الحوثی باید گفت اگر امریکایی‌ها در طول سال‌های درگیری تمام عیار خود در افغانستان و عراق موفق به سرکوب شبه نظامیان شدند در یمن نیز می‌توانند به این مهم دست پیدا کنند.

### جایگاه جنبش الحوثی در یمن

جایگاه تبلیغات جهت‌دار و یک‌جانبه برخی از رسانه‌های وابسته به کشورهای عضو جبهه سازش که می‌کوشند تا "جنبش الحوثی" را گروهی متعلق به اقلیت قومی و مذهبی معرفی کنند و تلاش‌های سیاسی و مبارزاتی این گروه را هم جهت با گرایش‌های مذهبی شیعی که در دیگر نقاط یمن (نقاط مرکزی، جنوبی و شرقی) طرفداری ندارد توصیف نمایند ولیکن واقعیت در عرصه داخلی و فضای سیاسی یمن با این گونه تلاش‌های تبلیغاتی و هم‌جهت با حرکت‌ها و اهداف دولتمردان یمن و عربستان تفاوت دارد، چنانکه می‌توان حرکت‌های سیاسی و مبارزاتی و

حتی تمام کوشش‌هایی که در قالب دفاع مسلحانه در منطقه شمال یمن به‌وسیله گروه الحوثی صورت می‌گیرد حرکتی انقلابی، فرهنگی، سیاسی و سرانجام مسلحانه به نمایندگی از همه اقوام دانست، اگرچه آن‌ها به ظاهر در جنگ ششم بر علیه دولت حضور نداشتند ولیکن بنا به دلایل ذیل خواهان موفقیت جنبش الحوثی علیه دولت و هم پیمانانش بودند:

۱- پیشینه صدها ساله حکومت گروه شیعیان زیدیه (اسلاف گروه الحوثی) بر یمن سبب شده است تا مردم یمن به آن‌ها به یک گروه حاشیه‌ای و اقلیت که تنها به دنبال دستیابی به امتیازاتی باشند، نگاه نکنند بلکه حرکت آن‌ها را حرکت ضد استبدادی و ضد استعماری که به عموم مردم یمن اختصاص دارد بدانند.

۲- تظاهرات گسترده مردم یمن در شهرها و مناطق غیر شیعه، آن هم به دفاع از گروه الحوثی و در اعتراض به اقدامات ارتش یمن و عربستان با حمایت آمریکا از جمله نشانه‌های پیوند قلبی و ناگسستگی میان عموم مردم و گروه الحوثی محسوب می‌شود.

۳- از جمله تحولات و موضوعات دیگری که سبب شد تا عموم مردم یمن در صدد مستحکم‌تر کردن روابط خود با شیعیان این کشور برآیند تغییرات و تحولات منطقه‌ای ناشی از پایان جنگ سرد از یک طرف و رشد گرایش‌های اسلامی در همه کشورهای خاورمیانه بود. به عبارت ساده‌تر بر اثر این تحولات نگرش‌های ملی‌گرایانه و نگرش‌های ناشی از حضور نیروهای چپ در جنوب یمن جای خود را به گرایش‌های اسلامی داد که با توجه به سوابق سیاسی شیعیان یمن در این گروه مذهبی متبلور بود. چنانکه دقیقاً بعد از فروپاشی شرق و رشد گرایش‌های اسلامی در منطقه بود که همه چشم‌ها در یمن به موفقیت‌ها و حرکت‌های فرهنگی گروه شیعیان و به تدریج به گروه الحوثی متوجه گردید و بدین ترتیب مردم یمن بیش از همیشه مبارزات ضد استبدادی و ضد استعماری شیعیان را مبارزات خود دانستند.

۴- موضوع دیگر در این باره موفقیت‌های چشمگیر حزب الله لبنان در اخراج نیروهای اسرائیل از جنوب این کشور و سپس پیروزی بسیار چشمگیر آنان در جنگ سی و سه روزه بود که نه تنها توجه مردم یمن بلکه توجه همه ملت‌های عربی و اسلامی را به خود جلب نمود و احساسات اسلامی و گرایش به عقاید شیعی را در تمامی آحاد مردم یمن تقویت کرد، مزید بر آن موفقیت شیعیان عراق در تشکیل دولت در این کشور آن هم در حالی که صدام حسین از متحدین حکومت علی عبدالله صالح بود، باعث تشویق جنبش الحوثی و حمایت بیشتر مردم از آنان می‌شد.

۵- باید به جایگاه مهم و سرنوشت‌ساز ایران در تحولات منطقه‌ای و جهانی اشاره نمود که از یک سو در تعارض با سیاست‌های حامیان امریکایی و غربی دولت یمن قرار دارد و از سوی دیگر موقعیت اعتقادات اسلامی را در اجرای برنامه‌های توسعه و پیشرفت در عرصه عمل نشان

داده است. بدیهی است که این تاثیرگذاری غیر مستقیم در افکار عمومی یمن، خود از جمله عوامل قوی برای امید بستن به حرکت‌های مذهبی و اسلامی و خواهد بود و از سوی دیگر میزان حمایت‌های مردمی را از گروه شیعه الحوثی افزایش می‌دهد. (پژوهش صدا و سیما، جعفر قنادباشی، ۱۳۸۸)

### چشم انداز

جنگ ششم در یمن، بین دولت مرکزی با حمایت سعودی و آمریکا با جنبش الحوثی حاکی از نکاتی چند است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود: جنبش الحوثی از اقتدار و استحکام خوبی در کشور یمن برخوردار است و مردم از آن حمایت می‌نمایند، به طوری که این جنبش توانست حدود شش ماه در مقابل دولت مرکزی با حمایت بیگانه دفاع نماید و بالاخره ترک مخاضمه منجر به انعقاد توافق‌نامه پایان نزاع شد. لیکن وقوع نزاع‌های دیگر به دلایل متعدد بین دو طرف در آینده دور از دسترس نخواهد بود. حمایت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای در قالب حضور مستقیم سعودی و آمریکا در نزاع به حمایت از یک طرف و منزوی نمودن طرف دیگر نشان‌دهنده رقابت وسیع‌تری از درون یمن در منطقه است و آن هم رقابت جبهه سازش به رهبری سعودی با جبهه مقاومت به رهبری ایران است. اگرچه ایران علاقمندی خود به حمایت از جنبش الحوثی را به‌طور علنی نشان نمی‌دهد. لیکن به دنبال پیروزی حزب‌الله در جنگ سی و سه روزه و حماس در جنگ بیست و دو روزه غزه، نوعی حمایت معنوی سراسر منطقه را فراگرفت که جنبش الحوثی هم از آن بی‌بهره نبود. علاوه بر این مشکلات داخلی یمن اعم از فقر، بیکاری، تورم، ساختار استبدادی، موقعیت ژئوپولیتیک وجود نفت، استعداد مردم یمن در جدایی از یکدیگر در قالب یمن شمالی و جنوبی به واسطه اهداف استعماری، اگرچه همگی در قالب دولت مرکزی جمع شده‌اند، همگی می‌تواند به نوعی نیروهای گریز از مرکز عمل نماید و نزاع‌های داخلی بیش‌تر را دامن زند. به هر حال برای رفاه و سعادت یمن، همه طرف‌های درگیر شامل دولت، الحوثی‌ها و جنوبی‌ها باید این موضوع را درک نمایند که نزاع و جنگ داخلی به مصلحت هیچ کدام از آن‌ها نیست و دو طرف از آن سودی نمی‌برند بلکه اثرات این جنگ‌ها می‌تواند برای آینده آن‌ها مصیبت بار باشد. از طرفی دولت یمن باید به مسئولیت‌های خود در قبال شهروندان عمل نموده و اجازه دخالت به بیگانگان را ندهد و از فرو غلطیدن در جنگ‌های گسترده با الحوثی‌ها بپرهیزد. چون نزاع با یک طرف می‌تواند عقده‌های فروخته در بخش‌های مختلف و از آن جمله شورشیان در جنوب را زنده نماید و کشور را دچار نزاع‌های چند جانبه گرداند. تنها آن‌هایی از این بحران سود می‌جویند که خواهان استمرار آن هستند و این نکته‌ای نیست که از چشمان تیزبین افکار عمومی یمنی‌ها دور بماند که چه کشوری به دنبال



ضمیمه‌سازی سه استان آن‌ها و چندین جزیره در دریای سرخ و دریای عرب از یمن، است با وقوع نزاع و درگیری به‌طور طبیعی دولتی ضعیف در یمن بر سر کار خواهد ماند که قبل از آن که نگاهش به مردم و افکار عمومی خود باشد، به آن سوی مرزها می‌نگرد تا از حمایت آن‌ها برخوردار گردد و آن کشور هم برای رسیدن به خواسته‌هایش نیازمند به دولتی ضعیف در همسایگی‌اش می‌باشد و بدین صورت شهروندان یمنی از این وضعیت سودی نخواهند برد. آن‌چه می‌تواند راهکار برای آینده با ثبات یمن باشد، توجه به حقوق شهروندان یمنی، رشد و توسعه آن و به تدریج وارد قاعده مردسالار شدن است تا گروه‌های یمن متناسب با سهم جمعیتی خود از کرسی‌های مقتضی در مجلس برای تصمیم‌گیری در مورد آینده خود مشارکت جویند.

## منابع

- ۱- سید محمد رضا موسوی، بهمن ۱۳۸۸، **یمن از جنگ داخلی تا بحران منطقه‌ای**، باشگاه اندیشه [www.bashgah.net](http://www.bashgah.net)، تهران.
- ۲- محمود پیربداغی، ۱۳۸۸، «شیعیان یمن»، نشریه امتداد، شماره ۴۸، تهران.
- ۳- سایت تابناک. «مقاومت ۴۴ روزه شیعیان یمن» (۱۸/۶/۸۸).
- ۴- حسین توکلی وال، ۱۳۸۸، «تخریب گسترده آثار شیعی در صعده»، وبلاگ شیعه خبر.
- ۵- سایت خبری - تحلیلی عصر ایران. «عربستان در آرزوی تجزیه یمن»، (۳۰/۶/۸۸).
- ۶- سایت آینده رسانه مستقل ایرانیان، (۸/۸/۸۸).
- ۷- [www.mogavemat.com](http://www.mogavemat.com) 27 April 2010
- ۸- سایت خبرگزاری فارس، (۸/۸/۱۹).
- ۹- Hayat News Agency. 13/11/88
- ۱۰- رویوران، حسین، خبر آنلاین. «دولت یمن در راستای منافع عربستان گام برمی‌دارد» (۱۸/۶/۸۸).
- ۱۱- گفتگوی با عصام العمداد در پایگاه موسسه گفتگوی دینی درمورد جنبش الحوثی، ۳۰ آبان ۱۳۸۸.
- ۱۲- روزنامه کیهان. **کالبد** «شکافی الحوثی‌ها» (۱۷/۶/۸۸).
- ۱۳- جعفری. کریم. «دخالت امریکا در جنگ یمن». هفته نامه مثلث. شماره ۲۱.
- ۱۴- رادیو فردا (۱۶/۶/۸۸).
- ۱۵- رادیو فردا (۱۵/۸/۸۸).
- ۱۶- رادیو امریکا (۲۲/۸/۸۸).

۱۷- تلویزیون بی بی سی ( ۱۵ / ۸ / ۸۸ ).

۱۸- رادیو فردا ( ۲۵ / ۸ / ۸۸ ).

۱۹- رادیو کلن ( ۷ / ۱۰ / ۸۸ ).

۲۰- [www.khabaronline, Ir/ news- 42855. Aspx](http://www.khabaronline.ir/news-42855.aspx)

۲۱- جعفر قنادباشی ، ۱۳۸۸، **بررسی جنبش الحوثی**، اداره کل نیروهای صدا و سیما، تهران.

۲۲- نجیب علی عبد الله الغربانی، ۲۰۰۴ م، **السیاسه الخارجیه للجمهوریه الیمنیه**، نشر مرکز عبادی للدراسات و النشر، یمن.